

مقدمه مترجم

رشد و ارتقاء ساحت اخلاقی زندگی بشر، دغدغه همه ادیان از جمله اسلام است. قرآن هدف از بعثت انبیا را تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت معرفی کرده، می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او (خدایی است) که از میان امی‌ها رسولی را برانگیخت تا آیاتش را بر آنان تلاوت کرده و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، گرچه از پیش در گمراهی آشکار بودند (سوره جمعه: ۲). و پیامبر بزرگ اسلام ﷺ هدف از بعثت خود را کامل کردن مکارم اخلاق اعلان کرده، می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا برای کامل کردن مکارم اخلاق برانگیخته شده‌ام (میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۴۹). از این رو، هرگونه بحث و فحص در اخلاق و روان‌شناسی اخلاق از فرایض نظری و تکالیف علمی پیروان صادق و جدی ادیان به ویژه اسلام است. نکته مهم آن‌که پرداختن به مباحث اخلاقی و آنچه به روان‌شناسی اخلاقی‌زیستن مربوط می‌شود، از منظر پیروان ادیان صرفاً یک اشتغال آکادمیک و نظری نیست، بلکه زمینه ساز نوعی زندگی عملی و اخلاقی است.

اشتغال به مباحث اخلاق دینی، چهار فرایند دارد: (۱) استخراج آموزه‌های اخلاقی از متون مقدس، (۲) نظام‌سازی اخلاق دینی، (۳) تبیین نظام اخلاق دینی و (۴) دفاع از این نظام در برابر انتقادات و شبهات ممکن. در این میان، کار اول در واقع، پرداختن به اخلاق توصیفی دینی است، ولی کارهای بعدی چیزی جز فلسفه‌ورزی در زمینه اخلاق، یعنی فلسفه اخلاق، نیست.

آشنایی با مباحث و مسائلی که در منابع علمی مربوط به فلسفه اخلاق مطرح و پردازش شده‌اند، زمینه‌ای مناسب برای تقویت و غنای فلسفه‌ورزی در حوزه اخلاق دینی است. از این رو، تألیف یا ترجمه کتاب‌های مناسب در این حوزه، به ویژه اثری که دارای ویژگی یک کتاب درسی باشد، مایه تقویت بنیادهای علمی و فکری است. ترجمه کتاب حاضر که ویژگی ذکر شده را دارد، با توجه به چند نکته ذیل، به علاقه‌مندان تقدیم می‌گردد:

۱. فلسفه اخلاق (moral philosophy) دو شاخه عمده دارد که عبارت‌اند از: الف) اخلاق هنجاری / توصیه‌ای (normative ethics) و ب) فرااخلاق (meta-ethics) یا اخلاق تحلیلی (analytic ethics) یا اخلاق نقدی (critical ethics). اخلاق هنجاری خود به دو شاخه نظری (theoretical) و عملی (practical) قابل تقسیم است، و هر یک از این دو نیز به زیر شاخه‌هایی تقسیم می‌شوند. بیشتر کتاب‌هایی که در حوزه فلسفه اخلاق به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شده‌اند، تنها مباحث فرااخلاق را پوشش می‌دهند، ولی یکی از ویژگی‌های این اثر پرداختن به هر سه حوزه فلسفه اخلاق است؛ یعنی علاوه بر این‌که به اخلاق هنجاری نظری پرداخته است، در مورد پژوهی‌ها به اخلاق هنجاری عملی می‌پردازد و در ضمیمه کتاب، فرااخلاق را نیز مطرح می‌کند.

۲. همان‌گونه که مؤلف محترم در مقدمه کتاب متذکر شد، این اثر (با مشخصات کتاب‌شناختی: Moral Problems, edition, 1991, The Lutterworth Press. که در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ تجدید چاپ شده است) کتابی درسی است که با شیوه‌ای بسیار جذاب به منظور آموزش فلسفه اخلاق به رشته تحریر در آمده است. از این رو، با استفاده از مثال‌های متنوع و مورد پژوهی‌های بسیار، تلاش شده است تا فهم مطالب و نظریه‌ها به نحو عمیق‌تری میسر شود و در پایان هر بحث، علاوه بر ذکر تمرین‌های متعدد، پرسش‌های گوناگونی نیز در مباحث مطرح شده و در مورد پژوهی‌ها طرح شدند تا دانشجویان به فکر و تأمل بیشتر بنشینند. بنابراین، اثر حاضر سه ویژگی عمده کتاب‌های درسی را داراست:

الف) مباحث از دیدگاه خاصی مطرح نشده و در نتیجه، از دیدگاه خاصی نیز دفاع صورت نگرفته است، بلکه دیدگاه‌های متفاوت و متعارض در هر باب طرح شده و جای بررسی هر موضوعی هم‌چنان باقی مانده است؛

ب) در ارائه هر دیدگاهی، تمرین‌ها و پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانشجویان با تأملات بیشتر به بررسی آن‌ها بپردازند؛

۳. علی‌رغم تألیفات و ترجمه‌های متعدد، هنوز خلأ جدی آثار مفید در حوزه اخلاق هنجاری، به ویژه از نوع کتب آموزشی، احساس می‌شود. ترجمه این کتاب با در نظر گرفتن خلأ مذکور صورت گرفته و ویژگی‌های آن، اهمیتش را دو چندان می‌کند.

ضرورت این ترجمه با در نظر گرفتن خلأ مذکور و چند نکته دیگر بیشتر می‌شود:

الف) هر گونه نقد نظریه و اتخاذ موضعی در قبال آن در گرو فهم درست و دقیق آن نظریه است و این اثر با آوردن قطعاتی از آثار خود صاحبان نظریه، زمینه این مهم را فراهم آورده است و با ذکر پرسش‌های موردی در پایان هر قطعه، دانشجویان را در فهم هر چه بهتر این قطعات مدد می‌رساند؛

ب) کتاب حاضر عمدتاً به اخلاق هنجاری پرداخته است، که مورد نیاز معرفتی حوزه اخلاق در فرهنگ ما نیز می‌باشد؛

ج) این کتاب، درسی است و سبک آموزشی آن نیز بدیع و جالب توجه می‌باشد و خواننده با مراجعه اجمالی به آن این مطلب را تصدیق خواهد کرد. از این رو، بیش و پیش از آن که منبع موجزی از همه نظریه‌های اخلاقی باشد، کتابی است که با توجه به محدودیت‌های آموزشی، نظریه‌هایی را برای آشنایی گام به گام گزینش کرده و تلاش شده است برای فهم دقیق‌تر یک تحلیل اخلاقی، بر جزئیات بحث افزوده شود؛

د) نویسنده با استفاده از دانش و هنر کوشیده است تا دانشجویان را به بحث درباره دیدگاه‌های مختلف نظریه‌پردازان درباره موضوعاتی از قبیل عدالت، مجازات، اختیار، سقط جنین، به کشی، عصیان مدنی و... تشویق و ترغیب کند.

در مجموع، اولویت‌های عمده این کتاب عبارتند از: ذکر قطعاتی از منابع اصلی به همراه تحلیل هر نظریه؛ ارائه تمرین‌های متعدد ذیل هر مدخل و مباحث آن، و ایجاد ارتباط بین هر نظریه با یک مسئله جدید.

از آن جا که این اثر جنبه آموزشی دارد، مترجم در صدد نقد آن نبوده است و تنها در مواردی که تقابل آشکاری با فرهنگ دینی احساس می‌شد، منابعی برای مطالعه بیشتر در پاورقی تحت عنوان یادداشت مترجم معرفی شده‌اند. افزوده‌های مترجم در داخل کروشه [] قرار داده شده و توضیحات در پاورقی‌ها نیز با علامت اختصاری (م) مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است که مدخل مؤلف به دلیل درج مطالب مهم آن در مقدمه مترجم، حذف گردید. نویسنده این اثر، دکتر مایکل پالم، در دانشگاه‌های مختلف، از جمله مک ماستر تدریس کرده و آثار زیر از او منتشر شده است:

فلسفه هنر پل تیلیش (*Paul Thillich's Philosophy of Art*)

مسائل اخلاقی در پزشکی (*Moral Problems in Medicine*)

وی ویراستار همکار اثر شش جلدی پل تیلیش: آثار عمده (*Paul Thillich: Main Works*)

نیز بوده است.

ساختار کتاب را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

نظریه‌های اخلاقی	بحث: مسئله جدید
۱. مدخل	۱. مدخل
۲. متن اصلی	۲. متون اصلی
۳. تمرین‌ها	۳. پرسش‌های مقاله‌ای
۴. نقد	۴. کتاب نامه
۵. پرسش‌های مقاله‌ای	
۶. کتاب نامه	

در پایان، براساس وظیفه، از همکاران زیر تشکر می‌کنم: از استاد مصطفی ملکیان، به دلیل

بازخوانی کل اثر و رفع پاره‌ای از اشکالات راه‌یافته در ترجمه؛ از حجة الاسلام و المسلمین احمد حسین شریفی، به دلیل ارائه نکات سودمند؛ از آقای علی اکبر علیزاده، به خاطر رفع پاره‌ای از اشکالات ویرایشی و در نهایت، از مدیران پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، از خدمت‌گزاران پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دست اندرکاران سازمان «سمت».

علیرضا آل بویه

بهار ۱۳۸۷